

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ جنوری ۲۰۱۸

جواب "دوستم": "خر خودتان هستید"

دوشنبه-۲۵ جدی ۱۳۹۶ - کابل: شما هم با این حکم آشنا هستید: "آنانی که دیگران را نادان و احمق فکر می کند، اولتر و بیشتر از همه خودشان نادان و احمق هستند"، به نظر من هرگاه این حکم در هیچ موردی صدق نکند به یقین در مورد "غنی احمدزی" که بهتر است نوشت "مغز متعفن"، چند صد درصد صدق می نماید. زیرا:

بدون آن که وقت شما خوانندگان عزیز را به اوضاع قبل از ازدواج سیاسی بین "غنی احمدزی" و "دوستم" بگیرم، و از لجن پراگنی های متقابل شان یاد نمایم، کار را از آنجائی آغاز می نمایم که نام های آنها از صندوق ریاء و تقلب امپریالیزم یکی به حیث رئیس جمهور و دیگری به حیث معاون اول رئیس جمهور بیرون شد. اگر از چند روز اول نرد عشق باختن دو طرف که عمدتاً ناشی از فضای ملتهب تقلبات انتخاباتی و فشار احتمالی "عبدالله" بود، بگذریم، می بینیم "مغز متعفن" از همان آغاز به زعم خودش بسیار زیرکانه به زدن معاونش مشغول شده، به بهانه های مختلف وی را به فساد بیشتر سوق می داد.

وقتی این شیوه کار مؤثر نیفتاد، "مغز متعفن" دست به دامان "عطاء" که خاطرات بدی از دوران "بچگی اش" در مقابل "دوستم" به یاد دارد، دراز نموده به بهانه دفاع از "دروازه لاهوری ایشچی"، کار را بر معاونش چنان تنگ نمود، که وی مجبور به فرار شده، در انقره معتکف گردید.

تا اینجا قضیه، همه چیز خود را به نفع "مغز متعفن" نشان می دهد، مگر وقتی دعوی قدرتش با "عطاء" اوج گرفت، و "عطاء" را نیز خفته در آغوش معاون اول فراری اش دید، اینجا بود که باز هم به فکر زیرکی افتاده، بدون آن که بفهمد، با صدای بلند جار زد که احمقی بیش نیست.

این حماقت زمانی خود را ظاهر ساخت، که نمایندگان "مغز متعفن" با هزاران وعده و وعید از جانب وی به دیدار "دوستم" رفته، ضمن تقدیم معذرت خواهی رسمی "مغز متعفن" به معاون اولش از وی خواستند، که دوباره به کابل آمده با صلاحیت و برخورداری از حمایت کامل "مغز متعفن" به اجرای وظایف به خصوص تأمین امنیت و سرکوب سرکشی ها در سمت شمال بپردازد.

این که شخص "مغز متعفن" با چنان طرز تفکری چند تن را به حیث نماینده نزد، معاونش بفرستد و از آنها بخواهد که حامل چنان پیامی باشند، برای من سخیف تر از کاری نیست که هیأت انجام داده است. هیأتی که هم خودش می داند که

دروغ می گوید و هم این را می داند که طرف مقابلش نیز می داند که به وی دروغ می گویند، باید بی شخصیت تر از شخص "مغز متعفن" باشند که چنان مأموریتی را پذیرفته و بخواهند معتکف را از اعتکافش باز دارند. تا جایی که دوستان مطلع از قضایای نقل می کنند، در مقابل تمام پافشاری های هیأت عجالاً جواب "دوستم" چنین محتوایی را باز تاب می داد: **"خر خودتان هستید"**. و اما در آینده:

ندیده شود چه می شود!!